

## شناسایی عوامل مؤثر بر آموزش کارآفرینی (تشبث) در لیسه‌های

### شهر کابل (مطالعه موردی: لیسه عالی زینب کبری)

فاطمه یعقوبی<sup>۱</sup> | محمد حیدر یعقوبی<sup>۲</sup>

#### چکیده

در سال‌های اخیر کارآفرینی به‌عنوان منبع مهم نوآوری، ایجاد اشتغال، رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی مورد توجه کشورهای مختلف جهان در بحث آموزش قرار گرفته است. بنابراین آموزش کارآفرینی از مهم‌ترین مباحث سیستم‌های آموزشی جهان و به‌تبع آن، معارف افغانستان است که باید برای دانش‌آموزان آموزش داده شود. مسئله مورد بحث در پژوهش حاضر عوامل مؤثر بر آموزش کارآفرینی (تشبث) در لیسه عالی زینب کبری در شهر کابل است. روش پژوهش تحلیلی-توصیفی و پیمایشی است و روش جمع‌آوری داده‌ها مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه) است. با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای میانگین‌های عوامل با حد متوسط (۳) مقایسه شد. بر اساس یافته‌های پژوهش مشخص شد که نقش عوامل تأثیرگذار بر آموزش کارآفرینی، تأثیرات مثبت و در حد متوسط به بالا وجود دارد. نتایج آزمون‌ها نشان داد که میانگین تأثیر نصاب تعلیمی در آموزش کارآفرینی ۳/۳۳، میانگین نقش دانش‌آموزان ۳/۳۴، میانگین نقش معلم ۳/۳۲ و میانگین نقش والدین ۳/۴۱ به دست آمده است. بر اساس میانگین به دست آمده به‌طور معناداری از حد متوسط بالاتر است ( $\text{sig} = 0/00 < 0/05$ ). بنابراین نشان‌دهنده نقش تأثیرگذار عوامل مؤثر بر توسعه آموزش کارآفرینی مثبت و در حد متوسط به بالا است. از مجموع بررسی‌های تحقیق می‌توان گفت که مشکلات فراوانی در اجرای آموزش کارآفرینی در سیستم معارف کشور وجود دارد.

**کلیدواژه‌ها:** آموزش کارآفرینی، نصاب تعلیمی، معلم، دانش‌آموز، والدین، مکتب زینب کبری

۱. ماستری مدیریت آموزشی، جامعه المصطفی العالمیه (نماینده افغانستان)، کابل، افغانستان

۲. دکتری برنامه‌ریزی درسی، عضو هیئت علمی، جامعه المصطفی العالمیه (نماینده افغانستان)، کابل، افغانستان.



## مقدمه

در سال‌های اخیر کارآفرینی به عنوان منبع مهم نوآوری، ایجاد اشتغال، رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی مورد توجه کشورهای مختلف جهان قرار گرفته است. (کریمی و همکاران، ۲۰۱۴) بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که یکی از عمده‌ترین عوامل تعیین‌کننده سطح کارآفرینی در هر کشوری، آموزش کارآفرینی است. (والریو و همکاران، ۲۰۱۴) در واقع در آموزش کارآفرینی، فرد برای ورود به دنیای واقعی آماده می‌شود. همچنین محتوای آموزش کارآفرینی، باید شناخت افراد را از مسائل پیرامون خود بالا ببرد و قدرت تحلیل مسائل را به گونه‌ای متفاوت با دیگران به ایشان اعطا کند. (مرتضی نژاد و همکاران، ۱۳۹۶) از منظر دیده‌بان جهانی کارآفرینی مهارت، همان نگرش‌ها و رفتارهای کارآفرینانه قابل‌آموزش و یادگیری هستند؛ آموزش کارآفرینی نقش ضروری در شکل‌گیری نگرش، مهارت‌ها و فرهنگ کارآفرینانه از دوره مدرسه به بعد ایفا می‌کند. دوران دانش‌آموزی نیز دوره ایدئالی برای ایجاد درک عمیق در مورد کارآفرینی است. (اکسلسون و همکاران، ۲۰۱۵)

اگرچه در طول بیست سال اخیر در افغانستان، (دوره جمهوریت، ۱۳۸۰-۱۴۰۰) تغییرات و اصلاحات قابل‌توجهی در سیستم آموزشی معارف افغانستان صورت گرفته است، ولی تاکنون تحقیقات منظم و قابل‌اعتمادی صورت نگرفته است که این سیستم تا چه اندازه کارایی داشته است. همچنین موضوع کارآفرینی در نظام معارف نیز مطرح بوده است؛ اما تاکنون نتایج و دستاوردهای مشخصی از آن منتشر نشده است، بلکه به نظر می‌رسد که مشکلات زیادی در آموزش کارآفرینی وجود داشته باشد. برخی از این مشکلات را می‌توان در سرمایه‌گذاری کم و ناقص و یا عدم سرمایه‌گذاری کافی، عدم توجه به بخش‌های مختلف آموزش کارآفرینی، توجه بسیار کم به امکانات و آموزش‌های عملی و همچنین عدم تطبیق یا ناکافی بودن محتوای درسی برنامه آموزش کارآفرینی با شرایط و نیازهای بازار کار و مشکلات فرهنگی موجود را می‌توان بیان کرد.

بنابراین آموزش کارآفرینی از مهم‌ترین مباحث سیستم معارف افغانستان است که



باید برای دانش‌آموزان آموزش داده شود. مسئله مورد بحث در پژوهش حاضر عوامل مؤثر بر آموزش کارآفرینی (تشبث) در لیسه‌های شهر کابل (لیسه عالی زینب کبری) است. در این پژوهش تلاش می‌کنیم تا نقش عوامل مؤثر مانند نصاب تعلیمی، نقش معلم، نقش دانش‌آموز و نقش معلم را بر آموزش کارآفرینی را در لیسه‌های شهر کابل مورد پژوهش قرار دهیم.

## ۱. مفاهیم و چارچوب نظری

### ۱-۱. کارآفرینی<sup>۱</sup>

از نظر هیستریچ<sup>۲</sup> و پیترز (۲۰۰۲)، کارآفرینی فرایند خلق هر چیز نو و با ارزش، صرف وقت و تلاش لازم و با فرض همراه داشتن خطرات مالی، روحی و اجتماعی و به دست آوردن پاداش‌هایی مالی رضایت فردی و استقلالی است که از آن ناشی می‌شود (فیض بخش و تقی‌یاری، ۱۳۸۳). مک میلان و بومن (۱۹۹۱) عقیده دارند که کارآفرینی فرایند شناسایی فرصت‌ها در بازار، مرتب کردن منابع برای تعقیب این فرصت‌ها و تحقق فعالیت‌ها و منابع لازم برای بهره‌برداری از فرصت‌ها به منظور سود شخصی درازمدت است. تیمونز (۱۹۹۰) کارآفرینی را این‌گونه تعریف کرده است: «کارآفرینی خلق و ایجاد بینشی ارزشمند از هیچ است. کارآفرینی طبق مدل توسعه اقتصادی شومپتر تخریب خلاق است که به‌عنوان یک نیروی برانگیزاننده در توسعه اقتصادی جامعه الزام و ضروری است». (داریانی، ۱۳۸۴) تعریف ساده دیگری که از کارآفرینی می‌توان انجام داد این است: «فرایند ایجاد ارزش از راه تشکیل مجموعه منحصر به فردی از منابع به‌منظور بهره‌گیری از فرصت‌هاست». (داریانی، ۱۳۷۸)

### ۱-۲. آموزش کارآفرینی<sup>۳</sup>

آموزش کارآفرینی فرایند نظام‌مند، آگاهانه و هدف‌گرا است که طی آن افراد غیر کارآفرین ولی دارای توان بالقوه به‌صورت خلاق تربیت می‌گردند. در واقع آموزش

1. Entrepreneurship  
2. Hisrich  
3. Entrepreneurship training



کارآفرینی فعالیتی است که از آن برای انتقال دانش و اطلاعات موردنیاز جهت کارآفرینی استفاده می‌شود. تیم گورمن (۱۹۹۷) اشاره می‌کند که آموزش می‌تواند اصلی اساسی در ارتباط با شروع و تأسیس یک کسب و کار باشد. ارائه مجموعه‌ای از مواد آموزشی تدوین شده شامل دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های کارآفرینانه به افراد است تا با وجود ریسک، فرصت‌هایی را که دیگران نادیده گرفته‌اند، شناسایی کنند و با بینش و اعتمادبه‌نفس در جاهایی که دیگران تعلل کرده‌اند، فوراً دست‌به‌کار شوند و کسب و کار خودشان را به وجود آورند. آموزش کارآفرینی تأکید بر ویژگی‌ها، توانمندی‌ها و مهارت‌هایی دارد که افراد برای راه‌اندازی، رشد و مدیریت کسب کار باید به آن‌ها مجهز شوند (کوریلسکی، ۲۰۰۴، گیت، ۲۰۰۲ به نقل از دهمرده، ۱۳۹۴)

### ۳-۱. نصاب تعلیمی<sup>۱</sup>

برنامه درسی محصول برنامه‌ریزی درسی است. برنامه‌ریزی درسی<sup>۲</sup> یا شامل سازماندهی یک سلسله فعالیت‌های یاددهی و یادگیری به‌منظور ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یادگیرنده‌ها و ارزشیابی میزان تحقق این تغییرات است. بنابراین فرایند برنامه‌ریزی درسی شامل سازماندهی فعالیت‌ها و ارزشیابی است و هدف آن ایجاد تغییرات مطلوب و محور آن یادگیرنده است؛ اما از نظر فیلیپ کومز،<sup>۳</sup> کارشناس برجسته یونسکو، برنامه‌ریزی آموزشی «کاربرد تجزیه و تحلیل منطقی در آموزش و پرورش به‌منظور افزایش کارایی» است؛ یعنی کار برنامه‌ریز آموزشی، تحلیل نظام‌دار و منطقی مسائل و مشکلات آنی و آتی آموزش و پرورش و تلاش به‌منظور حل این مشکلات است. این اقدام نهایتاً بهره‌وری و کارایی نظام آموزشی را افزایش خواهد داد و محور آن نظام آموزشی تلقی می‌شود. برنامه‌ریزی آموزشی را می‌توان «سازماندهی یا اصلاح فعالیت‌ها، تجهیز منابع و امکانات آموزشی برای تحقق بهتر اهداف آموزشی» تعریف نمود. (فیلیپ کومز، ۱۳۵۳)

1. Curriculum

2. Curriculum planning & curriculum development

3. Phillip Coomes



#### ۱-۴. معلم<sup>۱</sup>

توصیه‌نامه یونسکو در ماده یکم آن معلم را این‌گونه تعریف نموده است: «الف: معلم به کلیه کسانی اطلاق می‌شود که مسئولیت آموزش دانش‌آموزان را در تمامی مقاطع اعم از نظری و فنی و حرفه‌ای بر عهده‌دارند ب: مقام و منزلت را هم شامل احترام و قدردانی از معلمان می‌داند و هم به معنای لزوم انجام کار و پاداش و مزایای اصولی و مناسب گروه شغلی آن‌ها». (توصیه‌نامه یونسکو، ۱۹۶۶)

#### ۱-۵. دانش‌آموز<sup>۲</sup>

دانش‌آموز از لحاظ لغوی به معنای کسی است که دانش می‌آموزد و در اصطلاح، برای نامیدن محصلان رسمی در سطح تحصیلات پیش از دانشگاه به کار می‌رود. در یک نظام آموزشی، وقتی یک فرد می‌آموزد که «دیگران چه گفته‌اند و چه کرده‌اند» و برایش می‌گویند که «مسائل پیچیده یک علم را چگونه حل کرده‌اند». فقط از زمانی که خودش به مرز دانش می‌رسد و مسئله تازه‌ای را کشف یا حل می‌کند، یک محقق و دانشمند است. (رجایی ریزی، ۱۳۹۷)

#### ۱-۶. والدین<sup>۳</sup>

والدین یا زادآوران به معنای پدر و مادر است. همچنین والدین به سرپرست فرزند یا فرزندان هم گفته می‌شود که می‌توانند والدین بیولوژیکی (طبیعی) یا پدر و مادرخوانده فرزند باشند. (رجایی ریزی، ۱۳۹۷)

#### ۱-۷. مکتب زینب کبری<sup>۴</sup>

این مکتب در سال ۱۳۶۲ در جاده شهرک مهدیه تأسیس شده و در سال ۱۳۷۸ به لیسه ارتقا یافته است. این مکتب هم صنوف دخترانه و هم پسرانه داشته است. اولین فارغ‌التحصیلان آن در سال ۱۳۸۰ با دو صنف دوازدهم است. در آن زمان حدود ۲۷ تن معلم داشته است. تعداد دانش‌آموزان آن بین ۱۳۰۰ تا ۱۵۰۰ نفر بوده است.

1. Teacher
2. Student
3. Parents
4. Zainab Kobra High School

این تعداد در سال ۱۳۸۳ به ۴۰۰۰ دانش‌آموز و در سال‌های ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۰ به هشت هزار الی نه هزار دانش‌آموز رسیده است. این رقم در سال ۱۳۹۹ به ۷۸۰۰ دانش‌آموز کاهش پیدا کرد. دلیل عمده کاهش آن مهاجرت شاگردان و سه پارچه به مکاتب خصوصی را می‌توان یاد کرد. در شرایط فعلی تعداد معلمان آن ۱۵۷ نفر است که از این تعداد ۳۵ نفر داخل مکتب و ۱۲۲ نفر آنان خدمتی هستند. تعداد ۱۶ نفر نیز کارمند اداری و خدماتی دارد.

## ۲. نظام آموزشی و کارآفرینی

مدل‌های کارآفرینی از اقتصاد نشئت می‌گیرند. اقتصاد علی‌رغم فراز و نشیب‌های خود، عملکردهای خارق‌العاده‌ای را به ثبت رسانده و ظرفیت عجیبی برای انطباق با شرایط مدام در حال تغییر به دلیل فعالیت‌های کارآفرینی نشان داده است. امروزه دامنه آموزش برای کارآفرینان جذاب شده است. با توجه به تغییر در فناوری، آموزش فرصت‌های جدیدی را در رابطه با استقلال، تمرکززدایی و شخصی‌سازی ارائه می‌دهد. اشکال جدید آموزش مانند مدارس مجازی، دوره‌های آنلاین یادگیری از راه دور موجب توسعه دسته‌های جدیدی از کارآفرینان علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در حوزه‌های آموزشی به همان روشی که در زمینه‌های دیگر سرمایه‌گذاری کرده‌اند، شده است. از آن‌ها تحت عناوینی چون کارآفرینان آموزش و پرورش،<sup>۱</sup> کارآفرینان آموزشی<sup>۲</sup> یا ادوپرینرس<sup>۳</sup> یاد می‌شود. (اسمیت و همکاران، ۲۰۰۶)

ادوپرینرس، آموزگاران غیرمتعارفی هستند که در سیستم آموزشی، جدیدترین و جالب‌ترین مدل‌های آموزشی را در زمان حال ایجاد کرده‌اند. موفقیت آن‌ها با ریسک‌پذیری و پیش‌بینی نیازهای مختلف و تصور راه‌حل‌های احتمالی مرتبط است. کارآفرینی شامل تخیل، خلاقیت، استعداد و نوآوری است و یک روش معمولی برای عمل نیست، بلکه یک پاداش است. به‌عنوان نمونه در ساختارهای بوروکراتیک

1. Education Entrepreneurs  
 2. Educational Entrepreneurs  
 3. Edupreneurs



نظام‌های آموزشی دولتی، تصمیم‌گیرندگان، معمولاً گزینه‌های مخاطره‌آمیز را انتخاب نمی‌کنند یا به دنبال راه‌حل‌های جدید برای انجام کارها نیستند. در مقابل، آن‌ها از هرگونه خطری جلوگیری می‌کنند و طبق روال معمول عمل می‌کنند. این روشی است که مدیران مدارس دولتی و مسئولان آموزشی باید به آن عمل کنند. آن‌ها معمولاً خودشان را با اصلاحات اداری انطباق می‌دهند و معتقدند که امروزه با آموزش و تخصیص منابع بیشتر می‌توان نظام آموزشی را بهبود بخشید؛ اما تخصص، منابع و تحقیقات تضمین نمی‌کند که مشکلات در سیستم‌های آموزشی حل خواهد شد. در مقابل این عوامل وقتی که با عقل سلیم و روال بوروکراتیک همگام شوند، می‌توانند دشمن تعالی باشند. ایده‌ها و راه‌حل‌های جدید زمانی ظاهر می‌شوند که افراد تلاش کنند تا کارها را متفاوت انجام دهند و اشتباه کنند، نه اینکه به یک روش ثابت عمل کنند. کارآفرینی یک راه‌حل ساختارشکن است و یک پیشرفت غیرخطی است. (کریستین، بومانن، روگلز و سادلر، ۲۰۰۶: ۹۴) راه‌های عملکردی در طول زمان تغییر می‌کنند و با تعریف ایده‌های جدید و تأیید نشده و راه‌حل‌های جدید در فرایند آزمایش و خطا ظاهر می‌شوند. کارآفرینی به معنای چیزهای غیرقابل پیش‌بینی نیز است. کارآفرینی به معنای همراهی با ریسک کردن و احتمال شکست نیز است؛ اما وقتی صحبت از سیستم آموزشی است، مروجان کارآفرینی آموزشی معتقدند که تغییر در سیستم آموزشی ضروری است و حتی همیشه امکان شکست وجود دارد و اگر نظام‌های آموزشی مانند گذشته باقی بماند، احتمال خطر بیشتر است.

کارآفرینی آموزشی همچنین به‌عنوان نتیجه فرصت‌های بازار که در بخش آموزشی ظاهر می‌شود، دیده می‌شود. کارآفرینان چنین فرصت‌هایی را شناسایی و محصولات یا خدمات آموزشی ارائه می‌دهد که ممکن است سودآور باشد یا نباشد. فرصت‌های بازار شرط لازم برای کارآفرینی است؛ اما آن‌ها به‌تنهایی کافی نیستند. شرایط دیگری نیز لازم است که عبارتند از کارآفرینان باید وارد صنعت شوند، منابع کسب کنند، استعداد‌های لازم را جذب کنند، عادلانه رقابت کنند. سود و موفقیت تنها انگیزه‌های



یک کارآفرین نیست. کارآفرینان از تمایل به استقلال، رؤیاهای انجام کار و یاشادی برای نوآوری انگیزه می‌گیرند. نقش کلیدی یک کارآفرین، نوآوری و همیشه باز بودن نسبت به چیزهای جدید است. در حوزه آموزشی، آن دسته از افرادی که در حال تغییر و تحول هستند، به‌عنوان کارآفرین در نظر گرفته می‌شوند. آن‌ها بیشتر از مدیران یا سایر کارکنان شاغل در سطوح مختلف، رهبران آموزشی هستند. کارآفرینان آموزشی افرادی با استعداد و با انگیزه هستند که تغییرات را آغاز می‌کنند و نسبت به تغییرات و فرصت‌های خارجی واکنش نشان می‌دهند. (لاکاتوس و استایکولسکو، ۲۰۱۶: ۴۳۹)

کشورهای پیشرفته آموزش کارآفرینی را محور اساسی در برنامه‌های خود قرار داده‌اند و با این کار عملاً به دانش‌آموختگان (فارغ‌التحصیلان) خود می‌آموزند چگونه در حین یادگیری علم کار کنند. به عبارت دیگر آن‌ها می‌آموزند چگونه یک ایده یا فکر جدید را به محصولی جدید تبدیل کنند.

کارآفرینی در آموزش و پرورش را با دورویکرد نسبتاً متفاوت می‌توان مورد توجه قرار داد. در یک رویکرد که می‌توان آن را رویکردی تولیدی نامید، آموزش و پرورش در مقام تولید و ارائه محصول که همان رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان است، به شیوه‌ای کارآفرین عمل می‌کند.

رویکرد دوم که از آن با عنوان رویکرد تربیتی یاد می‌شود، آموزش و پرورش باید فرهنگ روحیه کار و روش‌های کارآفرینی را به دانش‌آموزان بیاموزد. با توجه به این دو رویکرد ویژگی‌های زیر را می‌توان برای معلم کارآفرین ذکر کرد: دارای ویژگی‌های یک فرد کارآفرین باشد، رشد دانش و توسعه بینش‌ها و مهارت‌ها را یک ضرورت شغلی مستمر تلقی کند، به روش تدریس و ارزش‌یابی سنتی اکتفا نکند و همواره درصدد به کار بردن روش‌های جدید باشد. (یعقوبی نجف‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۲)

فراگیری مهارت انجام کار، اشتغال زودرس، درآمد تضمینی و امکان ادامه تحصیل از دیگر ویژگی‌های دانش‌آموختگان شاخه فنی و حرفه‌ای است و در نهایت فردی با

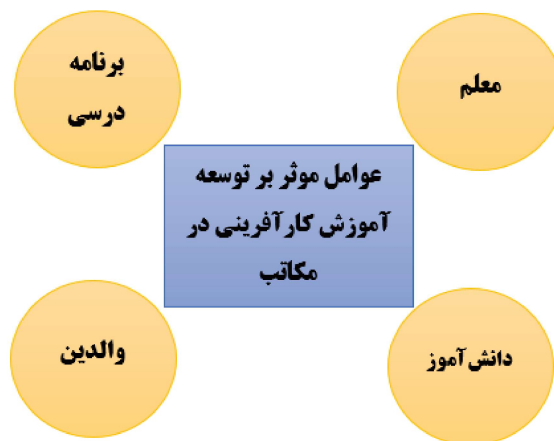




این خصوصیات از سلامت روحی و روانی، جسارت ازدواج به موقع، تأمین معاش خانواده و احساس مفید بودن برخوردار خواهد شد. (اسماعیلی، ۱۳۹۰)

کارآفرینی در آموزش و پرورش را چنین تعریف کرده‌اند: «کارآفرینی در آموزش و پرورش فرایند منظم و مستمری است که از یکسویه شناسایی و بهره‌برداری مؤثر از کلیه منابع درونی و بیرونی نظام آموزشی منجر می‌شود و از سوی دیگر موجب ایجاد فرصت‌های جدید یاددهی یادگیری می‌گردد. این فرایند با تکیه بر دو محور آموزش فراگیرنده کارآفرین و فراهم آوردن زمینه‌های بروز و ظهور آن محقق می‌گردد». (یعقوبی نجف‌آبادی، ۱۳۸۹)

از آنجا که صفات کارآفرینی اکتسابی است و نه ارثی و ژنتیکی، باید آموزش و پرورش با برنامه‌ریزی و سازماندهی زمینه کسب خصوصیات روحی دانش‌آموزان را در جهت ایجاد و روحیه کارآفرینی فراهم کند و این ویژگی‌ها را در آنان پیوراند. در اینجا بر اساس مباحث مربوط به ادبیات پژوهش و عوامل مؤثر بر آموزش کارآفرینی مدل مفهومی زیر به دست می‌آید.



شکل ۱-۲: مدل مفهومی پژوهش



### ۳. روش پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل معلمان و دانش‌آموزان لیسه عالی زینب کبری است. در این پژوهش با توجه به دسترسی محقق به تعداد ۲۰ پرسشنامه توسط معلمان و به تعداد ۵۰ پرسشنامه توسط دانش‌آموزان تکمیل و جمع‌آوری گردیده است. روش نمونه‌گیری پژوهش حاضر، نمونه‌گیری تصادفی ساده است. در میان روش‌های نمونه‌گیری با احتمالات برابر، روش نمونه‌گیری تصادفی ساده یکی از ساده‌ترین و قدیمی‌ترین روش‌های نمونه‌گیری است که در عمل کاربرد بسیاری دارد. به‌منظور دستیابی به نتایج موردنظر و انجام شایسته روش پژوهش از روش‌های زیر بهره گرفته شد:

**مطالعات کتابخانه‌ای:** برای تدوین مبانی، تعاریف و مفاهیم نظری از منابع کتابخانه‌ای استفاده شد که مهم‌ترین و مفیدترین منبع، موتورهای جستجو در اینترنت، بانک‌ها و منابع اطلاعاتی و کتابخانه‌های دانشگاه‌ها بوده است.

**پژوهش میدانی:** به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات موردنظر و سنجش متغیرهای پژوهش، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. در این پژوهش پس از بررسی کامل پیشینه و ادبیات پژوهش و مشورت با استادان ارجمند و استاد راهنما از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. محقق با بررسی ادبیات پژوهش به این نتیجه رسید که پرسشنامه‌های موجود برای مؤلفه‌های این پژوهش کاربرد ندارد و پرسشنامه محقق ساخته «بررسی عوامل مؤثر بر آموزش کارآفرینی» را ساخت که استفاده گردید.

پرسشنامه‌های این پژوهش از دو پرسشنامه مجزای محقق ساخته تشکیل شده است. پرسشنامه اول مرتبط با نگرش‌ها و عوامل کارآفرینی است که باید توسط معلمان تکمیل گردد. این پرسشنامه از سه بخش تشکیل شده است. بخش اول شامل ۴ سؤال است که مربوط به مشخصات فردی پاسخ‌دهندگان از قبیل جنسیت، سن، میزان تحصیلات و سابقه کار است. بخش دوم شامل ۱۰ سؤال برای سنجش عوامل مؤثر بر نقش برنامه درسی در توسعه آموزش کارآفرینی است. بخش سوم مربوط



به دیدگاه معلم نسبت به نقش دانش آموز به عنوان عوامل مؤثر بر توسعه یادگیری کارآفرینی است که ۱۰ سؤال دیگر را شامل می‌شود.

پرسشنامه دوم که باید توسط دانش آموز تکمیل گردد، نقش معلمان و والدین را در توسعه آموزشی کارآفرینی مورد سنجش قرار می‌دهد. این پرسشنامه نیز مانند پرسشنامه قبلی دارای سه بخش است. بخش اول اطلاعات دموگرافیک است که شامل جنسیت و تحصیلات است و بخش دوم شامل نگرش دانش آموزان نسبت به نقش معلم است که تا چه اندازه در توسعه آموزش کارآفرینی نقش دارد که شامل ۱۲ گویه است. بخش سوم نگرش دانش آموزان را نسبت به نقش والدین در حمایت از توسعه آموزش کارآفرینی مورد سنجش قرار می‌دهد که شامل ۸ گویه است.

برای طراحی سؤالات این پرسشنامه از طیف پنج گزینه‌ای لیکرت استفاده شده است. در این طیف میزان موافقت افراد پاسخ دهنده به صورت کیفی است برای تحلیل جواب افراد پاسخ دهنده، گزینه‌های کیفی با اعدادی مشخص می‌شوند که به کمی تبدیل شوند و این تغییر کیفی به کمی این گونه است که گویه‌های عوامل مؤثر بر توسعه آموزش کارآفرینی برای بسیار زیاد امتیاز ۵، زیاد ۴، متوسط ۳، کم ۲ و بسیار کم ۱ امتیاز تعلق می‌گیرد. پرسشنامه عوامل مؤثر بر توسعه آموزش کارآفرینی محقق ساخته (۱۴۰۲) است که روایی آن توسط استادان ارجمند و مخصوصاً استاد راهنما تأیید گردیده است. تصاویر پرسشنامه‌ها را با گویه‌های آن‌ها نشان می‌دهد. تکنیک‌های آماری مورد استفاده عبارتند از آمار توصیفی که جهت توصیف داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت که شامل تنظیم و رسم جداول فراوانی و محاسبات درصدی است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح استنباطی نیز انجام شده است؛ به طوری که از آزمون t تک نمونه‌ای برای بررسی میزان تأثیر و مقایسه آن با حد متوسط (معادل کد ۳) استفاده شده است.

#### ۴. یافته‌های تحقیق

در این قسمت به یکی از مهم‌ترین قسمت‌های پژوهش که بحث و تفسیر و



نتیجه‌گیری از یافته‌های پژوهش است پرداخته می‌شود. جامعه آماری این پژوهش دانش‌آموزان و معلمان مکاتب شهر کابل (مطالعه موردی: لیسه عالی زینب کبری) است. روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و در دسترس بوده که محقق موفق شده است از کل جامعه آماری توانسته است به تعداد ۷۰ پرسشنامه جمع‌آوری کند. در بخش جنسیت ۱۳ نفر (۶۵ فیصد) از جمعیتی که به پرسشنامه‌ها پاسخ داده‌اند، زن بوده و مابقی را مردان تشکیل می‌دهند. به لحاظ سنی نیز اکثریت پاسخ‌دهندگان در رده سنی ۳۱ سال تا ۵۰ سال را تشکیل می‌دهند که به لحاظ درصدی، ۸۵ درصد را تشکیل می‌دهند. همچنین اکثر معلمان سابقه کاری ۶ تا ۱۵ سال دارند که ۸۰ درصد را شامل می‌شوند. معلمانی که دارای مدرک تحصیلی لیسانس هستند فراوانی بیشتری نسبت به سایر سطوح تحصیلی دارند که ۷۰ درصد را تشکیل می‌دهند.

در قسمت تحلیل توصیفی دانش‌آموزان نیز، اکثریت پاسخ‌دهندگان را دانش‌آموزان دختر تشکیل می‌دهند که ۴۰ نفر را شامل می‌شود و تنها ۱۰ نفرشان دانش‌آموزان پسر هستند که به ترتیب ۸۰ درصد و ۲۰ درصد مجموع کل شرکت‌کنندگان در این پژوهش را تشکیل می‌دهند. اکثر دانش‌آموزان در صنف دوازدهم هستند که ۳۶ دانش‌آموز را شامل می‌شود که به لحاظ درصدی ۷۲ درصد را در بر می‌گیرد.

در رابطه با یافته‌های استنباطی پژوهشگر برای پاسخ دادن به سؤالات پژوهش از آزمون t تک نمونه‌ای جهت بررسی میزان تأثیر و مقایسه آن با حد متوسط (معادل کد ۳) استفاده شده است. بنابراین اینکه نصاب تعلیمی (برنامه درسی) موجود چه تأثیری در آموزش کارآفرینی دارد، در ابتدا برای سنجش تأثیر نصاب تعلیمی در آموزش کارآفرینی، از معلمان ۱۰ سؤال در مورد محتوای درسی و میزان وجود برخی مفاهیم در درس سؤال شد. معلمان با انتخاب یکی از گزینه‌های بسیار کم، کم، تاحدی، زیاد، بسیار زیاد به این سؤالات پاسخ دادند. پاسخ‌ها طبق جدول ۴-۷ ارزش‌گذاری شد. سپس برای هر فرد میانگین نمره سؤالات محاسبه شد که میزان تأثیر نصاب تعلیمی در آموزش کارآفرینی را (از نظر آن فرد) می‌سنجد. میانگین تأثیر نصاب تعلیمی در آموزش کارآفرینی ۳/۳۳ به دست آمده است. با استفاده از آزمون t



تک نمونه‌ای، میانگین به دست آمده با حد متوسط (۳) مقایسه شد. نتایج آزمون نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵٪، میانگین به دست آمده تفاوت معناداری با حد متوسط ندارد ( $\text{sig} = 0/089 > 0/05$ ). بنابراین میزان تأثیر نصاب تعلیمی در آموزش کارآفرینی در حد متوسط است.

در رابطه با سؤال نقش دانش‌آموزان در یادگیری کارآفرینی چیست؟ و اینکه دانش‌آموزان چگونه می‌توانند به توسعه آموزش کارآفرینی مؤثر باشند، فرایند زیر طی شده است:

برای سنجش نقش دانش‌آموزان در یادگیری کارآفرینی، از معلمان ۱۰ سؤال در مورد میزان نقش دانش‌آموزان در موضوعات مربوط به کارآفرینی، سؤال شد. معلمان با انتخاب یکی از گزینه‌های بسیار کم، کم، تا حدی زیاد، بسیار زیاد به این سؤالات پاسخ دادند. پاسخ‌ها طبق جدول ۴-۷ ارزش‌گذاری شد. سپس برای هر فرد میانگین نمره سؤالات محاسبه شد که میزان نقش دانش‌آموزان در یادگیری کارآفرینی را (از نظر آن فرد) می‌سنجد. با توجه به جدول بالا میانگین نقش دانش‌آموزان در یادگیری کارآفرینی ۳/۳۴۵ به دست آمده است. با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای، میانگین به دست آمده با حد متوسط (۳) مقایسه شد. نتایج آزمون نشان می‌دهد در سطح اطمینان ۹۵٪، میانگین به دست آمده تفاوت معناداری با حد متوسط ندارد ( $\text{sig} = 0/137 > 0/05$ ). بنابراین میزان نقش دانش‌آموزان در یادگیری کارآفرینی در حد متوسط است.

در رابطه با سؤال نقش معلم در آموزش کارآفرینی چیست و دارای چه ویژگی‌هایی است؟ موارد زیر انجام گردید. برای سنجش نقش معلم در آموزش کارآفرینی، از دانش‌آموزان ۱۲ سؤال در مورد اینکه معلم به چه میزان فعالیت‌های مرتبط با کارآفرینی را انجام می‌دهد، سؤال شد. دانش‌آموزان با انتخاب یکی از گزینه‌های بسیار کم، کم، تا حدی زیاد، بسیار زیاد به این سؤالات پاسخ دادند. پاسخ‌ها طبق جدول ۴-۷ ارزش‌گذاری شد. سپس برای هر فرد میانگین نمره سؤالات محاسبه شد که میزان نقش معلم در آموزش کارآفرینی را (از نظر آن فرد) می‌سنجد. با توجه به



جدول ۴-۷ میانگین نقش معلم در آموزش کارآفرینی ۳/۳۲۳ به دست آمده است. با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای، میانگین به دست آمده با حد متوسط (۳) مقایسه شد. نتایج آزمون نشان می‌دهد در سطح اطمینان ۹۵٪، میانگین به دست آمده به طور معناداری از حد متوسط بالاتر است ( $\text{sig} = 0/00 < 0/05$ ). بنابراین میزان نقش معلم در آموزش کارآفرینی بالاتر از حد متوسط است.

از آنجا که نقش والدین در توسعه آموزش کارآفرینی باید بررسی می‌شد، برای جواب دادن به سؤال نقش والدین در حمایت از آموزش کارآفرینی چیست؟ و والدین در حمایت از کارآفرینی چه نقشی دارد، از دانش‌آموزان ۸ سؤال در مورد نقش والدین در حمایت از آموزش کارآفرینی، سؤال شد. دانش‌آموزان با انتخاب یکی از گزینه‌های بسیار کم، کم، تا حدی، زیاد، بسیار زیاد به این سؤالات پاسخ دادند. پاسخ‌ها طبق جدول ۴-۷ ارزش‌گذاری شد. سپس برای هر فرد میانگین نمره سؤالات محاسبه شد که میزان نقش والدین در حمایت از آموزش کارآفرینی را (از نظر آن فرد) می‌سنجد. با توجه به جدول بالا میانگین نقش والدین در حمایت از آموزش کارآفرینی، ۳/۴۱۳ به دست آمده است. با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای، میانگین به دست آمده با حد متوسط (۳) مقایسه شد. نتایج آزمون نشان می‌دهد در سطح اطمینان ۹۵٪، میانگین به دست آمده به طور معناداری از حد متوسط بالاتر است ( $\text{sig} = 0/00 < 0/05$ ). بنابراین میزان نقش والدین در حمایت از آموزش کارآفرینی، بالاتر از حد متوسط است. بنابراین از میان عوامل چهارگانه مؤثر بر توسعه آموزش کارآفرینی برنامه درسی و نقش معلم از اهمیت بیشتری برخوردار است، ضمن اینکه دانش‌آموزان و والدین نیز می‌توانند نقش متوسط خودشان را ایفا نمایند.

### نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش با پژوهش‌های نورهاشمی، نوریه و کرمی، مرتضی (۱۳۹۹)، یارمحمدزاده، پیمان، مهدیون، روح اله و قلی پور، سولماز (۱۳۹۸)، چاوشی و داودی (۱۳۹۸)، شاه‌حسینی (۱۳۸۷)، شش‌یکانی (۱۳۸۹)، خدمتی، توسلی (۱۳۷۹)،

اسچمل (۲۰۱۶) و اچاوز و همکاران (۲۰۱۴)، همخوانی دارد و نتایج تحقیقات گذشته را تقویت می‌نماید. اسچمل (۲۰۱۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که مریبان کارآفرین دارای ویژگی‌های مشترکی از قبیل ریسک‌پذیر بودن، نوآور بودن و فراکنشی عمل کردن هستند. همچنین یارمحمدزاده و همکاران (۱۳۹۸) که در رابطه با نقش برنامه درسی کارآفرینی در دانشگاه‌های افغانستان انجام داده است که به نقش برنامه درسی در کارآفرینی به فراگیران تأکید شده است. همان‌طور که تحقیقات نشان می‌دهد در عصر حاضر، بیش از هرزمانی از برنامه درسی و آموزش انتظار انتقال یادگیری و بهبود عملکرد به‌منظور کارآفرینی برای فراگیران و دانش‌آموزان می‌رود. این موضوع مهم در محیط‌های مکاتب و سایر محیط‌ها از اهمیت روزافزونی برخوردار است. در این راستا، کارآفرینی یکی از اصلی‌ترین دغدغه مؤسسات آموزشی در جایگاه‌ها و سطوح مختلف بوده است و برنامه درسی نقشی بدیل در سرنوشت حرفه‌ای دانش‌آموختگان و بسترسازی کاری در آینده اجتماعی آن‌ها دارد. بنابراین بسیار در آموزش کارآفرینی نقش سازمان‌های آموزشی و به‌خصوص وزارت معارف افغانستان که نقش تعیین‌کننده در تولید و تهیه برنامه درسی دارند، بیش از پیش آشکار می‌شود. در تحقیق سولماز (۱۳۹۸) نیز وضعیت مدارس فنی و حرفه‌ای را در رابطه با کارآفرینی مورد بررسی قرار داده که در نتیجه عوامل آموزشی، پرورشی، نگرشی، مالی و ساختاری به‌عنوان عوامل مؤثر بر فرهنگ کارآفرینی شناسایی شدند. نتایج پژوهش نشان داد که وضعیت عوامل آموزشی، پرورشی، نگرشی و اعتقادی در حد مطلوبی قرار دارند. تحقیق چاوشی و داودی (۱۳۹۸) نیز یافته‌های بخش کیفی معناداری عوامل سازمانی، پرسنلی، آموزشی، محتوای آموزشی، هوش، فرهنگی، مدیریتی و تعاملات با محیط بیرون را تأیید کردند. خدمتی، توسلی (۱۳۷۹) در پژوهش خود با عنوان بررسی زمینه‌های بروز و پرورش کارآفرینی در دبیرستان‌های پسرانه دولتی کرج، نتیجه گرفته است که زمینه‌های گرایش به موفقیت و توفیق طلبی، نیاز به استقلال، ریسک‌پذیری و مرکز کنترل درونی در مدارس کرج فراهم می‌شود. ولی در تحقیق اچاوز و همکاران (۲۰۱۴) که با عنوان «چگونه برنامه‌های کارآفرینی





و کارآموزی به فعالیت‌ها و اشتراک اجتماعی در افغانستان کمک می‌نماید؟» انجام داده است، نتایج هماهنگ با تحقیق حاضر به دست نیامده است و به‌طورکلی نتایج تأثیر آموزش‌های کارآفرینی را تأیید نمی‌کند. در این تحقیق شواهدی از برنامه‌های آموزشی مهارت‌های زندگی و تأمین معیشت مؤسسه BRAC برای دختران جوان افغانستان را نشان داده است و از زاویه دید محرومیت اجتماعی به تحلیل تأثیرات برنامه‌های آموزشی مهارت‌های زندگی و تأمین معیشت مؤسسه BRAC برای زنان جوان در افغانستان پرداخته شده و فرضیه‌های آن را درباره نقش برنامه‌های کارآموزی و کارآفرینی در ادغام و حضور اجتماعی این زنان می‌آزماید. یافته‌ها نشان می‌دهد که آموزش‌ها تأثیر کوچکی برای برخی از شاخص‌های ادغام اجتماعی با به دست آوردن دانش و مهارت‌ها داشته ولی تقریباً هیچ تأثیری برای وضعیت اشتراک‌کنندگان از نظر ورود به فعالیت‌های اقتصادی و کسب درآمد نداشته است.

### پیشنهاد‌های اجرایی، کاربردی و پژوهشی

**پیشنهاد به رهبری وزارت معارف:** به رهبری عالی وزارت معارف افغانستان، پیشنهاد می‌گردد که فرآیند آموزش و توسعه کارآفرینی را در مدارس افغانستان به‌صورت علمی و اصولی مطالعه و اجرا نمایند، زیرا با این کار علاوه بر مزیت‌های فراوانی که برای امور اداری و سازمانی این وزارت دارد، فواید فراوانی از کارآمدی سیستم آموزشی افغانستان در زمینه بالا بردن مهارت‌ها و توانمندی‌های دانش‌آموزان و به دست آوردن اشتغال آن‌ها نیز تأکید می‌کند. در همین راستا پیشنهادهایی برای رهبری وزارت معارف و مدیران سطح بالای این وزارت ارائه می‌گردد:

**پیشنهاد به مشاوران عالی وزارت معارف:** به مشاوران رده‌بالا که در رهبری وزارت معارف صاحب‌نظر هستند، پیشنهاد می‌شود تا برای استفاده از مزایای فراوان دانش کارآفرینی و ابعاد آن، به شناخت بیشتر مدیریت دانش کارآفرینی، ابعاد، مراحل، ویژگی‌ها و تأثیرات آن رغبت جدی نشان دهند تا علاوه بر خودشان، ادارات ساحوی و منطقه‌ای این وزارت نیز با استفاده از مشاوره‌های آنان در مسیر کمال و پیشرفت اداری و سازمانی قدم‌های سازنده و تحول‌آفرین را در آموزش کارآفرینی بردارند.





**ایجاد بخش تحقیقات در وزارت معارف و ادارات مربوطه:** بخش تحقیقات به‌عنوان یک بخش مستقل با دیگر بخش‌های سازمان نظیر ارائه خدمات، توسعه منابع انسانی، مالی، اداری... پیوند خورده است. از آنجا که مدیریت دانش کارآفرینی و ارتقای آن، عاملی بسیار مهم در اثربخشی، موفقیت و بهبود عملکرد اداری و سازمانی در سازمان‌ها است و در تمام دنیا سرمایه معنوی (دانش کارآفرینی) به‌عنوان مهم‌ترین سرمایه سازمان‌ها شناخته شده است. بنابراین لازم است که وزارت معارف امکانات لازم برای فعالیت‌های پژوهشی در این زمینه رشد و ارتقای دانش کارآفرینی را فراهم کنند.

**توجه به توسعه ظرفیت منابع انسانی و برنامه‌های آموزشی کارآفرینی:** نیروی انسانی مهم‌ترین منبع سرمایه دانشی سازمان‌ها در بخش دانش کارآفرینی و منابع دیگری مثل پایگاه داده‌ها نیز محصول فکر و اندیشه نیروی انسانی است، بنابراین برای رویارویی با محیط‌های پیچیده و در حال تغییر، توجه ویژه‌ای به نیروی انسانی لازم است. نیروی انسانی، نیاز به آموزش مستمر و انگیزش برای خلاقیت دارد تا موجب پذیرش مسئولیت بیشتر، وظایف بهتر و نوآوری در روش‌های انجام کار و در نتیجه رشد و توسعه دانش و مدیریت کارآفرینی در کل کشور شود. بنابراین برای آشنایی کارکنان با مدیریت بهتر کارآفرینی، دوره‌های کوتاه‌مدت آموزشی، کارگاه‌های آموزشی، سمینارها و همایش‌ها ضروری است.

**ایجاد فرهنگ سازمانی کارآفرین محور در کلیه بخش‌های وزارت معارف:** به‌جرت می‌توان گفت که فرهنگ سازمانی مهم‌ترین منبع تواناساز مدیریت دانش کارآفرینی است و از الزامات اجرای آن به‌شمار می‌آید. فرهنگ سازمانی مناسب و پذیرش نظرات دیگران می‌تواند نتایج فردی و سازمانی فراوانی را به همراه داشته باشد و پیاده‌سازی مدیریت دانش کارآفرینی را تسهیل کند و سازمان را از مزایای فراوان آن بهره‌مند سازد. روسای وزارت معارف می‌توانند با پیاده‌سازی فرهنگ مناسب، بستر خوبی را برای اجرای فرهنگ کارآفرینی در آن وزارت، فراهم سازند.

**حمایت روسا و معاونان وزارت از فرآیند مدیریت کارآفرینی در وزارت معارف:** حمایت و تعهد مدیران ارشد به اجرای مدیریت هر چه بهتر دانش کارآفرینی و مسائل



مرتبط با آن، از مواردی است که به‌عنوان یکی از عوامل موفقیت اجرای کارآفرینی، توسط صاحب‌نظران متعددی ارائه و تأکید شده است؛ زیرا تعهد و پایبندی مدیران ارشد نقطه شروع است، اگر فعالیتی انجام شود ولی مدیران ارشد وزارت معارف آن را مورد حمایت قرار ندهد موفقیت چندانی نخواهد داشت. حمایت مدیران ارشد در اشکال مختلف از جمله ترمیم حقوق و دستمزد کارکنان بخش‌های کارآفرینی، استخدام نیروی متخصص مناسب کارآفرین، تدوین استراتژی مبتنی بر اجرای کارآفرینی، دادن فرصت کافی به کارکنان برای تبادل ایده‌ها و نظرات خود و... تجلی می‌یابد.

**تدوین استراتژی مناسب آموزش کارآفرینی در وزارت معارف:** تدوین استراتژی مناسب در زمینه آموزش‌های کارآفرینی در بخش‌های مختلف وزارت معارف، تربیت معلم‌ها، مکاتب و دیگر اداره‌های زیر نظر وزارت معارف می‌تواند به اجرایی شدن هر چه بهتر و با کیفیت‌تر آموزش‌های کارآفرینی کمک نماید. بدون یک هدف بلند و استراتژی مدون امکان اجرایی شدن مسائلی مانند دانش کارآفرینی تقریباً سخت و غیرممکن به نظر می‌رسد.

هر پژوهش علمی با توجه به اهداف و رسالتی که دارد در یک چارچوب مشخص انجام می‌شود و در پایان به سؤالات محدودی که از ابتدا مطرح بوده‌اند، پاسخ می‌گوید. بدیهی است که یک پروژه پژوهشی در بهترین شرایط نیز نمی‌تواند به تمام سؤالات موجود در زمینه موضوع مورد بحث پاسخ گوید. علاوه بر آن معمولاً در پایان هر پژوهش، سؤالات و موضوعات جدیدی نیز مطرح می‌شود که باید توسط سایر محققان دنبال شود.

- پدیده‌های سازمانی، همانند سایر پدیده‌های اجتماعی جنبه‌های گوناگونی دارند و باید از زوایای گوناگون، مورد بررسی قرار گیرند. بنابراین در پژوهش‌های آینده، بایستی از روش‌های تلفیقی و کثرت‌گرایانه استفاده نمود. با استفاده از روش‌های تلفیقی نه تنها می‌توان جنبه‌های گوناگون یک پدیده را مورد مطالعه قرار داد، بلکه پژوهشگر توفیق می‌یابد تا روایی و کارایی کار پژوهشی‌اش را افزایش دهد و امکان دستیابی به فرضیه‌های بدیع و غنی‌تر را فراهم آورد. (مقیم، ۱۳۸۲:



۶۱) بنابراین به محققان بعدی پیشنهاد می‌شود، با استفاده از روش کثرت‌گرایانه در پژوهش، پدیده آموزش کارآفرینی را مدنظر قرار دهند و از شیوه‌های مختلف مصاحبه (ساختارمند، نیمه ساختاریافته و...) و مشاهده (مستقیم، مشارکتی و...)، پژوهش، آرشيو و... استفاده کنند تا هم نتایج پژوهش غنی‌تر شود و هم روایی پژوهش افزایش یابد.

- از آنجا که در این پژوهش، عوامل مؤثر بر توسعه آموزش‌های کارآفرینی، به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده بود، در پژوهش‌های آینده می‌تواند به‌عنوان متغیر وابسته، مداخله‌گر یا تبدیل‌گر عوامل دیگری مثل فرهنگ، آموزش، تکنولوژی اطلاعات و... (به‌عنوان متغیر مستقل) در نظر گرفته شود.

- در این پژوهش عوامل چهارگانه معلم، دانش‌آموز، نصاب تعلیمی و والدین از جمله عوامل مؤثر در رشد و توسعه آموزش کارآفرینی در نظر گرفته شده است. در تحقیقات آینده باید روی زمینه‌های مدیریتی بیشتر مانند تأثیر و نقش وزارت معارف، ریاست‌های آن و همچنین مدیران مکاتب در رشد آموزش کارآفرینی مورد بررسی قرار بگیرد.

- بسیار مهم است تا تحقیق جداگانه روی ابعاد برنامه‌های درسی کارآفرینی به‌عنوان مهم‌ترین بعد تأثیرگذار در آموزش کارآفرینی در وزارت معارف انجام گیرد و پس از بررسی‌های فراوان و مشاهدات لازم، پیشنهادها علمی و عملی‌شان را برای رشد و ارتقای هر چه بهتر آموزش‌های کارآفرینی بیان کنند.

- نیاز است تا تحقیق جدی‌تری روی نقش معلم و توانمندی‌های او برای رشد و توسعه کارآفرینی انجام شود. معلم به‌عنوان نیروی انسانی توانا و مبتکر می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای نیز داشته باشد.

- تحقیق جداگانه‌ای نیز برای انگیزه‌ها، اهداف و شناخت هر چه بیشتر دانش‌آموزان و نیازهای بازار کار آنان انجام شود تا بتوان پیشنهادها عملی و کاربردی را برای یادگیری هر چه بهتر دانش‌آموزان در مباحث کارآفرینی ارائه داد.

## فهرست منابع

۱. اسماعیلی، مهدی، (۱۳۹۰)، آموزش فنی حرفه‌ای انتخاب یا ضرورت، مجله رشد آموزش فنی و حرفه‌ای، دوره هفتم، شماره ۲، صص ۱۸-۲۰.
۲. احمدپورداریانی، محمد (۱۳۸۷)، کارآفرینی، تعاریف، نظریات، الگوها، تهران: انتشارات پردیس.
۳. دهمرده قلعه نو، سمیرا و همکاران، (۱۳۹۴)، بررسی مدل‌های آموزش کارآفرینی، اولین کنفرانس مدیریت و کارآفرینی در شرایط اقتصاد مقاومتی.
۴. رجایی ریزی، حمید، اندیشنامه چیست؟ دیباچه، ص ۱۲
۵. کومز، فیلیپ، (۱۳۵۳)، برنامه ریزی درسی چیست، «ترجمه: محمدبرهان منش»، تهران، دانشگاه تهران.
۶. مرتضوی نژاد، نیلوفر، عطاران، محمد، حسینی خواه، علی و عباسی، عفت (۱۳۹۶)، بررسی عناصر درسی کارآفرینی بر اساس رویکرد تطبیقی، فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، سال یازدهم، شماره ۴۴، بهار ۱۳۹۶، صص ۴۹-۸۰.
۷. یعقوبی نجف آبادی، اشرف، (۱۳۹۰)، برنامه درسی ملی و ضرورت نگرش کارآفرینی، مجله رشد آموزش فنی و حرفه‌ای، دوره هفتم، شماره ۲، صص ۸-۱۹.
8. Karimi, S., JA Biemans, H., Lans, T., Chizari, M., and Mulder, M. (2014). Effects of role models and gender on students' entrepreneurial intentions. *European Journal of Training and Development*, 38(8): 694-727.
9. Lacatuș, M. L., & Staiculescu, C. (2016). Entrepreneurship in Education. In *International conference knowledge-based organization*, 22(2): 438-443.
10. Lave, J., & Wenger, E. (2006). *Situated learning: Legitimate peripheral participation*. Cambridge university press.
11. Valero, A., Parton, B., & Robb, A. (2014). *Entrepreneurship Education and Training Programs around the World: Dimensions for Success, Directions in Development*. Washington, DC: World Bank.

